

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۷

پرچم و پرچمداری در دوره حضرت پیامبر اکرم ﷺ

یوسف احمدی فیروزجائی*

چکیده

پرچم یکی از نمادهای اصیل در طول تاریخ است. پرچم؛ نماد وجود یک قبیله، جمع، گروه، جمعیت، کشور و ... است. به طور مشخص معلوم نیست که پرچم از چه زمانی مورد استفاده قرار گرفته است اما گفته شده است که حضرت ابراهیم علیه السلام اولین بار برای نجات لوط پیامبر از زندان طاغوت زمان از پرچم استفاده کرده است. قُصی بن کلاب - جد چهارم پیامبر - پرچمی برای شهر مکه درست کرد و تا چند نسل در میان اولاد او باقی ماند. در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تشکیل دولت اسلامی و تحرک قبیله‌ها و تشکیل گروه‌های نظامی و ... بار دیگر پرچم و پرچمداری رونق گرفت و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای حکومت مدینه پرچم قرارداد. هم‌زمان با حکومت مدینه، قبایل و گروه‌ها، پرچم داشتند. مهاجران، انصار و قبایل در جنگ‌ها، پرچم جدا داشتند و بهترین، قوی‌ترین و شجاع‌ترین افراد برای پرچم و پرچمداری انتخاب می‌شدند. علی علیه السلام، حمزه، عبیده، مصعب بن عمیر و ... از پرچمداران مشهور دوره حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

واژه‌های کلیدی: پرچم، پرچمداری، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.

* دانش آموخته سطح دو تاریخ اسلام موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

مقدمه

یکی از مسائل مورد توجه در امروز و زمان‌های گذشته، مسئله برندها و نشانه‌هاست. این نشانه‌ها از زیر کفش گرفته تا سر کلاه افراد، مورد بحث هستند. در کنار این برندها و نشانه‌ها، کسانی که آن‌ها را ترسیم و به جوامع ارائه می‌دهند هم مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر طراح اسلامی باشد نمادها و علائم اسلامی خواهد شد و اگر طراح غیر اسلامی باشد با نگاه او، نماد و نشانه هم تغییر می‌کند.

در مباحث دینی و سیاسی از اولین روز هر مکتبی، افراد و جامعه به علائم آن توجه می‌کنند که مدعیان با چه علایمی خودشان را معرفی می‌کنند. پرچم و لباس سیاه، نشانه عباسیان بود. در مقابل در طبرستان حکومت علویان با پرچم‌های سفید قیام نمودند و در هرکجا فتح و عملیات نظامی موفق بود، اول پرچمشان را می‌افراشتند.

یکی از رسته‌های اجتماعی و نظامی هر جامعه، پرچم هر کشور می‌باشد. با گسترش جوامع مختلف این نمادها هم گسترش یافت و ابعاد مختلف پیدا نمودند. در هنگام جنگ از نماد پرچم و پرچم‌داران مخصوص استفاده می‌شود، آن افرادی که در پای پرچم قرار می‌گیرند سعی می‌شود افرادی معتقد به کشور و مرزوبوم باشند تا جان دارند از نماد (پرچم) دفاع کنند. بعد از واقعه کربلا و جمع‌آوری اموال خیم حضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب و یاران شهیدش از سوی سپاه کوفه، وقتی علم مربوط به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را به‌عنوان آثار ضبط شده در مقابل یزید قرار دادند، وی با تعجب به شیء مخصوص نگاه نمود و نظرش را جلب نمود و آن علم، پایه پرچمی بود که در دست حضرت ابوالفضل علیه السلام بود، او در کمال ناباوری دید که قسمت‌های مختلف غیر از دستگیره علم، ضربات سختی خورده اما دست گیره علم سالم است! سؤال نمود

که این چیست؟ گفتند که این علم کاروان حسینی بود که در دست عباس قرار داشت. از یزید سؤال کردند که از چه تعجب نمودی؟ گفت دستگیره را نمی بینید که چطور سالم مانده و او چقدر به پرچم و نماد خود علاقه مند بود.

به افرادی که از پرچم در مراسم مختلف محافظت و نگهداری می کنند پرچم دار می گویند و برای خود آداب و رسوم ویژه ای دارند. پرچم داران چه ویژگی هایی باید داشته باشند؟ و جایگاه اجتماعی آن ها در جامعه چگونه باید باشد؟ معمولاً هر حکومتی سعی می کند تا افراد هم فکر و اعتقادش را برای پرچم داری انتخاب کند. این مطلب در صدر اسلام تحت عنوان پرچم داران غزوه ها و فتوحات مطرح بود، این جایگاه را به هر کسی نمی دادند، در صورتی که می خواستند به شخصی این منصب را بدهند تحت مراسمی به عنوان بستن پرچم مطرح می شد.

یکی از کلماتی که در تمدن و فرهنگ اجتماعی هر دوره ای بوده و بیان کننده نوع بینش و اعتقاد افراد آن جامعه می باشد کلمه علم و مترادفات آن است.

الف: مفاهیم

پرچم: برای این واژه هفت معنی ذکر گردیده است ۱- دسته ای مو یا ریشه و منگوله سیاه رنگ که بر نیزه و علم آویزند یا به گردن اسبان بندند. این منگوله از نوعی گاو میش کوهی است که در فارسی آن را غزغاو (=کثر گاو) خوانند و این جانور در هندوستان و ختا (چین شمالی) زیست می کند. ۲- موی دم گاو کوهی، دم نوعی از گاو که بر گردن اسب بندند. ۳- نوعی از گاو کوهی که مابین ملک ختا و هندوستان می باشد. ۴- موی گیسو، کاکل ۵- زبان، زبان آتش، لهیب. ۶- درفش، علم، رایت، بیرق. ۷- نام هر یک از میله های باریک ساقه گیاه را

گویند که از دو قسمت میله و بساک تشکیل شده است.^۱ فرهنگستان ادب فارسی معنی ششم را به معنی پرچم سیاسی اجتماعی پذیرفته است و در هرکجا که امروزه از پرچم سخن رانده می‌شود مراد همین معنی ششم است.

واژه‌های مترادف پرچم در فرهنگ‌های عربی و فارسی

- عِلْمٌ: ج اعلام: نشان، علامت، مشخصه، ویژگی، لب‌شکری، تیر راهنما، نشان راه، نشانه مرزبندی، پرچم، بیرق، درفش، شخصیت ممتاز، برجسته، سرشناس، بزرگ، چهره تابناک، شخصیت روحانی، پیشوا، بزرگ قوم، کوه بلند، مناره، گلدسته، اسم خاص وَ هِيَ الْعَلَامَةُ وَ جَمْعُ الْعَلَمِ^۲ و آن نشانه و جمع آن علم است. و العلم الراية و الجمع اعلام و العلم: الجبل و كل شيء يكون معلم^۳.

- درفش: چند معنی برای درفش در لغت آورده‌اند: ۱- بیرق، علم، علامت، رایت (سپاه) ۲- پارچه‌ای که در روز جنگ بر بالای دستار خود پیچند.^۴

- لواء: (لواء) الْجَيْشِ عِلْمُهُ وَ هُوَ دُونَ الرَّايَةِ^۵. لواء علم سپاه که از رایة پایین‌تر است. اللّواء: لواء الأمير، ممدود و اللّواء: العلم، و الجمع ألوية و ألويات، الأخيرة جمع الجمع^۶.

- پرچم، علم، بیرق، لواء؛ تیپ، سرلشکر، دریادار، ناحیه، استان (هر یک از بخش‌های چهارده‌گانه کشوری در عراق-لوا)^۷.

۱ - فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین.

۲ - المصباح المنیر، ۴۲۷.

۳ - التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ۲۰۵.

۴ - دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۱۵۱۲.

۵ - المصباح المنیر، ص ۵۶۱.

۶ - لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۶۶.

۷ - فرهنگ معاصر عربی-فارسی آذر تاش آذر نوش، تهران: چاپ چهاردهم، ۱۳۹۱.

- رَايَةُ عِلْمٍ الْجَيْشِ يُقَالُ أَصْلُهَا الْهَمْزُ لَكِنِ الْعَرَبُ آثَرَتْ تَرْكُهُ تَخْفِيفًا. ۱ پرچم سپاه، اصلش همزه بوده ولیکن عرب برای راحتی قرائت جهت تخفیف رایه را رایه می‌خوانند مانند تاریخ را تاریخ می‌خوانند.

بیرق: بیرق واژه‌ای ترکی و پارچه‌ای ملون و منقش است که بر سر چوب کنند و آن علامت جمعیت، حزب، فرقه یا کشوری باشد؛ علم، درفش، رایت، بیرق. به کسی که بیرق را در دست گیرد و پیشاپیش گروهی یا لشکری حرکت کند؛ بیرق‌دار یا علمدار گویند.^۲

تفاوت‌ها و شباهت‌ها

به نظر می‌رسد که نقطه اشتراک مفاهیم فوق (پرچم، علم، درفش لوا، رایه و بیرق) استفاده برای سپاه و لشکر جهت نشانه قرار گرفتن و شناختن است اما اختلاف آن‌ها دلالت بر بزرگی یا کوچکی سپاه و جایگاه آن‌ها می‌کرد.

پرچم و پرچم داری در قبل از اسلام

پیشینه استفاده از پرچم در بین قبائل، چه در جنگ و چه در صلح به روزگار باستان بازمی‌گردد. به‌طور دقیق مشخص نیست که اولین بار پرچم چگونه و چطور و توسط چه کسی و در چه زمانی مورد استفاده قرار گرفت اما مشهور است که پرچم، نخستین بار توسط حضرت ابراهیم (برای آزادسازی حضرت لوط) از زندان طاغوت زمان خود بکار گرفته شده است.

مقام پرده‌داری و پرچم‌داری در جامعه مکه قبل از اسلام، از مناسب مهم در بین اعراب بود. در جنگ‌ها بسیار بدان افتخار می‌کردند؛ چون پرچم نشانی از همبستگی در عمل و اتحاد در شعار بود به‌گونه‌ای که هرگاه پرچم از دست پرچم‌دار می‌افتاد، نوعی شکست و ازهم‌گسیختگی برای لشکر محسوب می‌شد.

۱ - مصباح المنیر، ص ۲۴۶.

۲ - محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۶۲۳.



اعراب جاهلیت در جنگ‌ها، آن را به دست یکی از سران سپاه می‌دادند. در مکه که محل اجتماع و زندگی قریش بود، پرچمی به نام عقاب وجود داشت و منصب پرچمداری آن با بنی عبدالدار که طایفه‌ای بزرگ در قریش شمرده می‌شد، بود. سابقه این پرچم به قُصَی بن کلاب برمی‌گردد. نیای چهارم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سرزمین مکه قدرت را در دست گرفت، تمام منصب‌های قریش به او تفویض شد و او آن‌ها را بین فرزندان خود تقسیم کرد. او منصب پرچمداری را به یکی از فرزندان خود به نام عبدالدار سپرد و به او گفت: «از این پس هیچ‌کس وارد کعبه نمی‌شود، مگر آنکه تو اجازه دهی و هیچ پرچمی بسته نمی‌شود، مگر آنکه تو اراده کنی^۱». از آن پس پرده‌داری خانه خدا و پرچمداری در نزد فرزندان او باقی ماند به گونه‌ای که در جنگ احد «ابوسفیان» به عموزاده‌های خود در یک درگیری و مشاجره لفظی گفت: «شما لیاقت پرچمداری را ندارید؛ چراکه در روز {جنگ} بدر نتوانستید از آن به شایستگی مراقبت کنید و ما در آن جنگ، شکست خوردیم! اکنون نیز اگر نمی‌توانید، آن را به ما واگذارید^۲». این پرچم همان‌گونه که از جامعه عرب برمی‌آمد در خانواده‌ای بود و موقع جنگ باید رئیس خانواده پرچم را بیرون می‌آورد و به پرچمدار تحویل می‌داد^۳.

۷۰

شکل پرچم در جامعه عرب

عادت عرب بر این بود که پرچم را بر سرنیزه می‌بستند ممکن است به این دلیل باشد که در موقع لزوم بتوان از آن برای دفاع و جنگ استفاده کرد.

۱ - زندگانی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ / ترجمه، ج ۱، ص ۸۵.

۲ - همان.

۳ - همان.

پرچم و پرچم‌داری در اسلام

صاحب‌الالواء (صاحب‌لوا، صاحب‌پرچم)

یکی از نام‌های مبارک پیامبر اسلام ﷺ صاحب‌لوا الحمد است. این جایگاه بس بزرگ در بین جامعه دین‌داران و خداپرستان می‌باشد از آنجایی که پیروان هر رئیس مکتبی، سعی دارند که خود را شبیه به رهبر و پیشوای خود بکنند در جامعه اسلامی هم این جایگاه از طرف مسلمانان مورد توجه قرار گرفته، از صدر اسلام دارای اهمیت ویژه‌ای بود.

«وكان لواء الأعظم وهو لواء المهاجرين مع مصعب بن عمير وكان لواء قریش في الجاهلية في قومه من بني عبد الدار، فلذلك خصه رسول الله صلى الله عليه وسلم من بينهم. أنا دعامة الله القائمة، أنا صاحب لواء الحمد، أنا صاحب الهبات بعد الهبات ولو أخبرتكم لكفرتكم»^۱.

«يا سلمان ويا جندب و كان محمد الناطق و أنا الصامت و لا بد في كل زمان من صامت و ناطق، فمحمد صاحب الجمع و أنا صاحب الحشر و محمد المنذر و أنا الهادي و محمد صاحب الجنة و أنا صاحب الرجعة، محمد صاحب الحوض و أنا صاحب اللواء، محمد صاحب المفاتيح و أنا صاحب الجنة و النار و محمد صاحب الوحي و أنا صاحب الإلهام»^۲.

پیامبر اسلام به صاحب‌لوا شناخته شده است؛ اما این در عالم خارج هم باید یک نشانه و نمونه‌ای را به دنبال می‌داشت که تشکیلات پرچم و پرچم‌داری را شکل‌دهی نماید. از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده‌اند که خدا امت مرا با لوا اکرام کرده است^۳. وقتی بریده در راه هجرت پیغمبر ﷺ بدو پیوست و ایمان آورد،

۱ - مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، ص ۲۶۰.

۲ - حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، ۱ جلد، بیروت: علمی، ۱۴۲۲ ق.

۳ - سند این روایت ضعیف است.

حضرت فرمود: «بدون لوا وارد مدینه مشو. پس بریده عمامه خود را بر نیزه‌ای بست و پیشاپیش پیامبر اسلام ﷺ می‌رفت تا وارد مدینه شد.»^۱

هر قبیله‌ای داشت، در فتح مکه؛ عباس، ابوسفیان را بر سر راه عبور لشکریان نگه داشت، هر قبیله‌ای به صورت یک کتیبه (= گردان) می‌گذشت و عباس معرفی می‌فرمود تا مرکب پیامبر اسلام ﷺ رسید و در آن وقت، رایت به دست زبیر بود.^۲

آغاز پرچمداری در اسلام

بزرگ‌ترین پرچم را یکی از شجاع‌ترین و نیرومندترین افراد سپاه اسلام که در جنگ‌هایی که فرماندهی کل حضور داشت، حمل می‌کرد. پرچم‌داران در غزوه‌های گوناگون متفاوت بودند و از سوی رسول خدا ﷺ تعیین می‌شدند. پرچم رنگ سفید و شکل مربع داشت اما رایت (بیرق) را شجاع‌ترین و نیرومندترین فرد قبیله حمل می‌کرد. شکل و رنگ بیرق‌ها با توجه به شمار قبایل شرکت‌کننده در سازمان سپاه تفاوت می‌کرد و از پرچم کوچک‌تر بود.

در صدر اسلام پرچم به رزمندگان روحیه بسیاری می‌بخشید و مادامی که بر پا بود می‌جنگیدند و آنگاه که بر زمین می‌افتاد از پیکار بازمی‌ایستادند. از این رو، فرماندهان به نگهداری و جان‌فشانی برای برپایی آن توصیه می‌کردند. پرچم‌داران صدر اسلام در حال رزم ملتزم به برپا نگه‌داشتن آن بودند اگرچه این کار به قطع دست آنان منجر می‌شد و یا به قیمت جان‌شان تمام می‌گردید. چنانچه پرچم بر زمین می‌افتاد، یکی از شجاعان آن را برمی‌افراشت و رزمندگان بی‌درنگ برگردش جمع می‌شدند و به این ترتیب سپاه از خطر شکست می‌رهید.

۱ - نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۱۵۵، با اندکی تغییر.

۲ - همان، ص ۱۵۵.

در سال دوم هجرت، پیامبر اسلام عبیده بن الحارث بن عبدالمطلب را به سربه‌ای فرستاد و رایتی برایش بست و این، نخستین رایت اسلام است و در همان موقع، حمزه را هم به‌جانب دیگری فرستاد و بعضی گویند: این اولین رایت است. چون زمان تقریباً یکی بود، می‌توان دو رایت را موافق انگاشت. سراج گوید: «نخستین رایتی که در اسلام بسته شد، از آن عبدالله بن جحش بود». سیوطی گوید: «اولین رایت‌ها در جنگ خیبر بسته شد و پیش از آن لوا بود». زرقانی در شرح المواهب گوید: «با این سخن، تفاوت لوا و رایت روشن است». ابوزرعه فزعی در مورد اندازه رایت می‌گوید: یک ذراع در یک ذراع پارچه سفید بوده است. پیامبر اسلام ﷺ بدو فرمود: «ای ابازرعه، نزد قوم خودت برو و بگو هرکس زیر رایت ابوزرعه بیاید، در امان است»^۱.

رنگ و مشخصات پرچم پیامبر اسلام ﷺ

ابن اسحاق گوید: پیغمبر ﷺ در جنگ بدر لوای خود را به دست مصعب بن عمیر داد و آن لوا سفید بود. در سنن نسائی و سنن ابو داود از جابر روایت شده که لوای پیامبر ﷺ روز فتح مکه، سفید متمایل به زرد بود و بعضی هم گفته‌اند: زرد خاکی بود. در مختصر السیر آمده که لوای پیغمبر ﷺ، خاکی متمایل به سیاه بود. ابن اسحاق در اخبار غزوه بدر آورده که پیشاپیش پیغمبر ﷺ دو رایت سیاه حرکت می‌کرد؛ یکی به دست علی و دیگری به دست یکی از انصار. ابن حبان اصفهانی در کتاب اخلاق النبی از حسن روایت می‌کند: پیغمبر ﷺ رایتی سیاه به نام عقاب داشت. آورده‌اند: عمرو عاص در بازگشت از جنگ ذات السلاسل، با رایت‌های سیاه بازگشت. قضاعی گفته است: رایت سیاه پیغمبر ﷺ از پارچه پشمی سیاه بود. بعضی گفته‌اند: رایت پیغمبر ﷺ پارچه‌ای خط‌دار از پشم بود با تصویر هلال. بعضی گفته‌اند: چادری بوده است با نقطه‌های

سیاه و سفید یا خطوط سفید و سیاه. ابن جماعه در مختصر السیر گوید: پیغمبر ﷺ رایت سیاه چهارگوشی داشت و رایتی نقطه نقطه یا خط خط داشت به نام «عقاب». ابن عدی از ابوهریره و طبرانی از بریده روایت کرده اند که رایت پیغمبر ﷺ سیاه و لوای آن حضرت سفید بود. ترمذی و احمد حنبل از ابن عباس روایت کرده اند که بر لوا نگاشته شده بود: «لا اله الا الله محمد رسول الله». قاسم بن کاتب سرقسطی نیز در الدلائل آورده است: «پیامبر اسلام ﷺ رایتی سیاه و چهارگوش داشت به نام عقاب و رایتی سفید داشت به نام «الریبه» که گاه چیز سیاهی بر آن قرار می دادند»^۱.

پیامبر اکرم ﷺ هم برای خود و لشکر اسلام، پرچمی را معین نمودند و رنگ آن هم سیاه بود و آن را در هنگام غزوات به دست فرماندهان سپاه می دادند و عقد علمداری و پرچمداری را برای آن فرمانده می خواندند.

رنگ رایت انصار

در الاصابه می نویسد: پیغمبر ﷺ رنگ رایت های انصار را زرد قرار داد. در طبقات ابن سعد آمده است که وقتی وفد سلیم نزد پیغمبر ﷺ آمدند، از حضرت خواستند که لوای ما از سرخ قرار بده و حضرت پذیرفت. در لشکرکشی پیغمبر ﷺ، آهنگ رزمی مرسوم نبود بلکه با صدا اعلام می کردند^۲.

پرچمداران زمان پیامبر اسلام

حکومت اسلامی نوپای پیامبر اسلام ﷺ در مدینه تشکیل گردید و مورد طمع و کینه ورزی دشمنان اسلامی قرار گرفت و این امر موجب شد تا حکومت مدینه در حالت دفاعی قرار بگیرد و در لحظاتی دفاع را انجام می داد. در برخورد با دشمنان برابر با اقتضای زمان و مکان، گاهی اوقات دفاع های بزرگ شکل

۱ - همان، ص ۱۵۶. با اندکی تغییر.

۲ - همان ص ۱۵۷.

می گرفت و گاهی کوتاه. جنگ‌هایی را که با فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ صورت می گرفت غزوه می نامیدند، مانند غزوه احد، بدر، حنین، خیبر، فتح مکه و غزوه تبوک و ... در این جنگ‌ها، فرماندهی حرکت لشکر را خود شخص پیامبر اکرم ﷺ بر عهده داشت ولی حامل پرچم و لواء یکی از مؤمنان و مسلمانان بود ولی در هنگام رویارویی در میدان جنگ، پرچم به دست پرچم‌دار سپرده می شد و این تعداد زیاد بودند.

خصوصیات پرچم‌داران

اکثر پرچم‌داران دارای ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فردی بودند. دارای صفات شجاعت، کرامت، فرمان‌برداری از رسول گرامی اسلام ﷺ و حسن نیکویی بودند و از صفات برجسته‌ای برخوردار بودند. در جنگ‌ها، پرچم‌دار از موقعیت بسیار بزرگی برخوردار بود و پیوسته پرچم به افراد دلیر و توانا واگذار می شد. پایداری پرچم‌دار موجب دلگرمی جنگجویان دیگر بود و برای جلوگیری از ضربه روحی به سربازان چند نفر به عنوان پرچم‌دار تعیین می شدند تا اگر یکی کشته شود دیگری پرچم را به دست گیرد.

قریش از شجاعت و دلاوری مسلمانان درنبرد بدر آگاه بود. از این رو، تعداد زیادی از دلاوران خود را به عنوان حامل پرچم معین کرده بود. نخستین کسی که مسئولیت پرچم‌داری قریش را به عهده داشت طلحه بن طلحه بود. وی نخستین کسی بود که با ضربات حضرت علی علیه السلام از پای درآمد. پس از قتل او پرچم قریش را افراد زیر به نوبت به دست گرفتند و همگی با ضربات حضرت علی (ع) از پای درآمدند: سعید بن طلحه، عثمان بن طلحه، شافع بن طلحه، حارث بن ابی طلحه، عزیز بن عثمان، عبدالله بن جمیله، ارطاه بن شراحیل، صواب. با کشته

شدن این افراد، سپاه قریش پا به فرار گذارد و از این راه نخستین پیروزی مسلمانان با فداکاری حضرت علی علیه السلام به دست آمد.^۱

فرماندهی و حامل پرچم در بعضی از غزوات و سرایا فرق می‌کرد. گاهی هنگام حرکت سپاه و لشکر، حاملان پرچم، پرچم را تا نبردگاه حمل می‌کردند و پرچم‌دار در میدان نبرد و جنگ، پرچم را بر دست می‌گرفت با حریف خود نبرد و جنگ را انجام می‌داد. در برخی مواقع پرچم را ابن میسره عبسی تا محل نبرد حمل می‌کرد و در میدان نبرد، امیرالمؤمنین علیه السلام پرچم را بر دست می‌گرفت و به نبرد می‌پرداخت. حمزه سید الشهداء و دیگر پرچم‌داران سپاه اسلام همین‌گونه بودند.

اخلاق و خصوصیات برجسته در امیرالمؤمنین علیه السلام جمع شده بود و آن حضرت دارای خصوصیات و مناقب فراوانی بودند که از جمله آن خصوصیات، شجاعت بود که فرمودند: «قَالَ فِي رِسَالَتِهِ إِلَى سَهْلِ بْنِ حَنيفٍ وَاللَّهِ مَا قَلَعْتُ بَابَ خَيْبَرَ بِقُوَّةِ جَسَدِيَّةٍ وَلَا بِحَرَكَةِ غَدَائِيَّةٍ لَكِنِّي أُيَدْتُ بِقُوَّةِ مَلَكُوتِيَّةٍ وَنَفْسٍ بُنُورِ رَبِّهَا مُضِيئَةٍ وَأَنَا مِنْ أَحْمَدَ كَالضُّوءِ مِنَ الضُّوءِ وَاللَّهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَيَّ قِتَالِي لَمَّا وَلَيْتُ وَلَوْ أَمْكَنْتَنِي الْفُرْصَةَ مِنْ رِقَابِهَا لَمَّا بَغَيْتُ وَمَنْ لَمْ يَبَالِ مَتَى حَتْفُهُ عَلَيْهِ سَاقِطٌ فَجَحَانُهُ فِي الْمُلِمَّاتِ رَابِطٌ.»

با نیروی ملکوتی و نفسی که به پرتو خدای خود نورانی بود کندم و من شعاعی از شعاع احمدم. به خدا سوگند، اگر تمام عرب برای جنگ با من پشت‌درپشت نهند از جنگ نمی‌گریزم و اگر بر آنان چیره شوم، هرگز ستم نمی‌کنم. هر کس از من پرهیز نکند، مرگش بر او فرومی‌افتد و قلبش همواره آکنده از بیم است.^۳ جابر بن عبدالله می‌گوید: علی در جنگ خیبر در را بدوش گرفت و کناری نهاد و

۱ - فروغ ولایت، آیت‌الله سبحانی، ص ۹۳. منقول از تفسیر قمی، ص ۱۰۳؛ ارشاد مفید، ص ۱۱۵؛ بحار ج ۲۰، ص ۱۵.

۲ - فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ایران؛ قم: ۱۳۷۵ ش.

۳ - بخشی از این نامه که خطاب به عثمان بن حنیف است، در صفحه ۲۸۹ جلد ۱۶ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم آمده است. م.

مسلمانان از آن بالا رفتند و قلعه را گشودند. پس از آن خواستند آزمایش کنند، کمتر از چهل نفر نتوانستند آن را تکان دهند.^۱

وقتی پرچم دار چنین عقیده راسخی داشته باشد، در هر لحظه بر ایمان او افزوده می شود و از سوی دیگر هر جا که توسط او گشوده گردید تأثیر معنوی خود را هم دارد، در چنین برهه ای، افرادی که تحت تأثیر قرار گرفتند افرادی مؤثر و قابل اتکا به عمل می آمدند.

۱- حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

از بزرگ ترین پرچم داران اسلامی، حضرت امام علی علیه السلام است که پرچم جنگ خیبر و دیگر غزوات؛ توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سپرده شد. در روایت متعدد و دارای سند صحیح نقل شده است که در جنگ خیبر رسول خدا ﷺ پرچم را برای جنگ با اهل خیبر به دست ابوبکر دادند اما او شکست خورد، بار دوم رسول خدا عمر را فرستاد که وی نیز با شکست بازگشت. رسول خدا ﷺ فرمودند: «فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند به دست او ما را پیروز می کند و او خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند؛ مِنْ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ بِالْإِسْنَادِ الْمُقَدَّمِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا حَاتِمٌ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ عَنْ سَلَمَةَ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ تَخَلَّفَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي خَيْبَرَ وَكَانَ رَمِدًا فَقَالَ أَنَا أَتَخَلَّفُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فَلَحِقَ بِهِ فَلَمَّا بَيْنَا اللَّيْلَةَ الَّتِي فُتِحَتْ صَبَاحَهَا قَالَ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا أَوْ لِيَأْخُذَنَّ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلٌ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَتَحْنُ نَزْجُوهَا فَقِيلَ هَذَا عَلِيٌّ فَأَعْطَاهُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ»^۲.

۱ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین / ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: ۱۳۶۶ ش.
۲ -عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار / النص / ۱۴۷ / الفصل السابع عشر فی قوله لأعطين الراية غدا رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله.

قاضی عضدالدین ایجی - از متکلمان اهل تسنن - این واقعه را این گونه نقل می‌کند: بعد از اینکه رسول خدا ﷺ ابوبکر و عمر را به میدان جنگ فرستاد و آن‌ها شکست خوردند و فرار کردند، فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند؛ شخصی که حمله‌کننده است و اهل فرار از جنگ نیست». سپس روز بعد، آن حضرت، پرچم را به دست علی علیه السلام داد^۱.

۲- حمزه بن عبدالمطلب

حمزه بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، عموی پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان علی علیه السلام است و مادر او هاله دختر وهب بن عبدمناف است. چون حمزه از ثویبه کنیز ابولهب شیر خورد و پیامبر ﷺ هم از این زن شیر خورده بود، برادر رضاعی محسوب می‌شدند.

کنیه‌اش ابویعلی و حدود دو یا چهار سال از رسول خدا ﷺ بزرگ‌تر بود. در سال دوم هجرت موقعی که پیامبر ﷺ میان یاران عقد برادری برقرار فرمود، میان حمزه و زید بن حارثه عقد برادری خواند.

حمزه اولین فرمانده لشکر اسلام و پرچمدار در جنگ

در سال اول هجری درحالی که بیش از هفت ماه از هجرت رسول خدا ﷺ نگذشته بود، آن حضرت عموی خود را همراه با سی نفر سواره از مهاجرین با پرچمی سفید مأمور حمله به کاروان اقتصادی قریش که از شام به مکه می‌رفت کرد و حمزه با ابوجهل و سیصد نفر از همراهانش مواجه شد اما جنگی درنگرفت. این اولین لشکری بود که رسول خدا ﷺ در مدینه به مأموریت فرستاد^۲. در غزوه ابواء که اولین غزوه‌ای بود که رسول خدا ﷺ در آن شرکت

۱ - دایرة المعارف صحابه پیامبر ﷺ / ج ۱، به نقل از کتاب المواقف، عضد الدین الایجی ۳: ۶۲۶.

۲ - دایرة المعارف صحابه پیامبر ﷺ، ج ۲، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

می‌کرد پرچم رسول خدا ﷺ سفید و در دست حمزه قرار داشت. هم‌چنین نقل شده است در غزوه عشیره یا ذوالعشیره که ۱۶ ماه بعد از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه واقع شد؛ پرچم سفید آن به دست حمزه عموی پیامبر ﷺ بود.^۱

۳- عبیده بن حارث بن مطلب بن عبد مناف

عبیده بن حارث بن مطلب بن عبد مناف، پسر عموی پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. کنیه وی ابوالحارث است و ابا معاویه نیز گفته شده است. عبیده ده سال از پیامبر ﷺ بزرگ‌تر بود و حضرت را بسیار گرامی می‌داشت و او نیز نزد آن حضرت مقامی بس بزرگ داشت. عبیده از پیش‌قدمان در پذیرش اسلام بود و قبل از گردآمدن تازه‌مسلمانان به خانه ارقم، ایمان آورد. او و دو برادرش، طفیل و حصین، به همراه مسطح بن اثاثه به مدینه مهاجرت کردند و به خانه عبدالله بن سلمه وارد شدند.

اسلام آوردن عبیده، ابوسلمه بن عبداسدی، ارقم بن الأرقم مخزومی و عثمان بن مظعون در یک‌زمان بود. پیامبر ﷺ میان او و بلال برادری قرار داد. پیامبر ﷺ در ماه شوال، آغاز هشتمین ماه هجرت، پرچم را به عبیده بن حارث سپرد تا به رابغ برود. عبیده با شصت سوار به آنجا حرکت کرد و در کنار چشمه آبی که نامش احیاء بود، در دشت رابغ با ابوسفیان بن حرب که دویست نفر همراهش بودند؛ روبرو شد. نخستین کسی که پس از ظهور اسلام به سوی دشمن تیر انداخت سعد بن ابی وقاص بود که در این جنگ تیر دان خود را گشود و جلو رفت و یاران او برایش سپر گرفتند و او تمام تیرهایش را پرتاب کرد. در تیر دان او بیست تیر بود و هر تیری که رها می‌کرد به انسان یا حیوانی می‌خورد و او را زخمی می‌ساخت. در آن روز تیرانداز دیگری در سپاه مسلمانان وجود نداشت.

۱ - همان، منقول از اعیان الشیعه، امین عاملی: ۱: ۲۴۶.



به هر حال، پس از آن، دیگر افراد سپاه برای جنگ شمشیر نکشیدند و در برابر یکدیگر صف بستند و چون همان تیراندازی و رویارویی تمام شد، هر یک از دو گروه به جایگاه خود بازگشتند. سعد بن ابی وقاص نقل کرده است: تمام شصت نفر همراه عبیده از مهاجران قریش بودند، به عبیده گفتم: اگر آن‌ها را دنبال کنیم همه را خواهیم گرفت، زیرا آن‌ها با ترس گریختند ولی عبیده پیشنهاد را نپذیرفت و همه به مدینه برگشتیم.^۱

سرانجام وی در جنگ بدر توسط شیبۀ بن ربیعۀ زخمی برداشت و به واسطه همان زخم به شهادت رسید و پیامبر ﷺ او را در صفراء دفن فرمود. پیامبر با شهادت عبیده برای سرپرستی همسر او با زینب، دختر خزیمه ازدواج کرد. زینب قبل از ازدواج با رسول خدا ﷺ دو بار ازدواج کرده بود که اولی آنان پسرعمویش جهم بن عمرو بن حارث و دومی ایشان عبیدۀ بن حارث بود.^۲

در حدیثی آمده است که پیامبر ﷺ هنگام مبارزه علیؑ با عمر بن عبدود، دست‌ها و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و این‌گونه باخدایش راز و نیاز فرمود: «اللهم إني أخذت مني عبيدة يوم بدر و حمزة يوم أحد فاحفظ علي اليوم عليا رب لا تدزني فؤداً و أنت خير الوارثين»^۳. خدایا! عبیده را در روز بدر و حمزه را در روز احد از من گرفتی، امروز علی را حفظ فرما. سپس این آیه از قرآن مجید را تلاوت فرمود: رَبِّ لَا تَدْزِنِي فُؤَادًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ؛ پروردگارا! مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان.

۱ - ثم عقد لواء لعبيدة بن الحارث، سؤال علی رأس ثمانية أشهر... المغازی للواقدي، ج ۱، ص ۱۰، چاپ دوم ۱۴۰۹.
 ۲ - همان، ص ۲۱۹.
 ۳ - سورة الأنبياء ۸۹.
 ۴ - ابن أبي الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

۴- اسامه بن زید کلبی

اسامه بن زید بن حارثه بن شراحیل، آزادکرده رسول خدا ﷺ و کنیه او ابو محمد یا ابوزید می باشد. کنیه او را ابو یزید و ابو خارجه نیز گفته اند و از قبیله بنی کلب بن ویره بود. چون پیامبر اکرم ﷺ به وی بسیار علاقه مند بودند، او را «حب الرسول» می نامیدند. «ذكر الشهرستاني في الملل والنحل في المقدمة الرابعة في الخلاف الثاني في مرضه أنه ﷺ قال: جهزوا جيش أسامة، لعن الله من تخلف عنه^۱».

نمونه‌هایی از پرچمداران عصر نبوی ﷺ در منابع تاریخی

۸۱

۱- واقدی گوید: «در ذی قعدة همین سال پیامبر ﷺ پرچم سفیدی برای سعد بن ابی وقاص بست و او را سوی خرار فرستاد و پرچم دار وی مقداد بن عمرو بود.» سعد گوید: «من با بیست کس (گفته بود بیست و یک کس) که همه پیاده بودیم برفتیم و روز نهران می شدیم و شب راه می سپردیم تا صبح روز پنجم به خرار رسیدیم، پیمبر به من گفته بود که از خرار تجاوز نکنم و کاروان یک روز پیش از من از آنجا گذشته بود و شصت مرد همراه داشت» در این سفر همه همراهان سعد از مهاجران بودند.

۲- روح بن عبادة از بسطام بن مسلم، از مالک بن دینار نقل می کند که گفته است به سعید بن جبیر گفتم: چه کسی پرچم دار رسول خدا بود؟ گفت: حواست کجا است، معبد جهنی به من گفت: برایت می گویم معمولاً در طول راه پرچم پیامبر را ابن میسره عبسی می برد و چون جنگ شروع می شد علی بن ابی طالب آن را می گرفت. پرچم سفیدی برای حمزه بن عبدالمطلب بست و او را با سی تن از مهاجران بفرستاد تا راه کاروان قریش را به بندند و حمزه با ابوجهل

۱ - الملل و النحل، شهرستانی، چاپ دوم قسم اول، ص ۲۹. معجم رجال الحدیث، آیت الله خویی، ج ۳، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ه، ص ۱۸۳.

روبه‌رو شد که سیصد مرد همراه داشت و مجدی بن عمرو جهنی در میانه حائل شد و بی جنگ از هم جدا شدند و پرچم‌دار حمزه، ابو مرثد بود.^۱

۳- هشت ماه پس از هجرت، در ماه شوال پیامبر خدا، پرچم سپیدی برای عبیده بن حارث بن مطلب بن عبد مناف بست و گفت سوی دره رابغ رود و پرچم‌دار وی، مسطح بن اثاه بود و عبیده با شصت تن از مهاجران در ناحیه جحفه به ثنیة المره رسید و از انصار کس همراه وی نبود؛ و بر سر آب احیا با مشرکان رو به رو شد و در میانه تیراندازی شد اما کار به شمشیر نرسید.

۴- به گفته او پیامبر صلی الله علیه و سلم دوازدهم ماه شوال به مدینه رسید و بقیه ماه ربیع‌الاول و ربیع‌الآخر و دو جمادی و رجب و شعبان و رمضان و شوال و ذی‌قعدة و ذی‌حجه را در مدینه به سر برد و حج آن سال را مشرکان عهده‌دار بودند. محرم را نیز در مدینه و در ماه صفر که دوازده ماه از هجرت وی گذشته بود به قصد غذا برون‌شد و تا ودان رفت و به طلب قرشیان و بنی‌ضمرة بن بکر بود و این را غزوه ابواء گویند.^۲

۵- خالد بن ولید حمله برد و به محافظان خود گفت: «مرا از پشت سر نزنند» و چون مقابل مسیلمه رسید منتظر فرصت بود و مسیلمه را می‌نگریست. سالم بن عبدالله گوید: وقتی آن روز پرچم را به من دادند گفتم: «نمی‌دانم برای چه پرچم را به من داده‌اید، شاید گفتید حافظ قرآن است و او نیز مانند پرچم‌دار پیشین پایمردی می‌کند تا کشته شود؟» گفتند: «آری، ببین چگونه عمل می‌کنی» گفت: «به خدا حافظ قرآن بدی باشم اگر پایمردی نکنم» کسی که پیش از سالم پرچم را به دست داشت، عبدالله بن حفص بن غانم بود. ابن اسحاق گوید: مجاعه به مردم بنی‌حنیفه که می‌خواستند ام تمیم را بکشند گفت: «به کار مردان

۱ - تاریخ الطبری/ترجمه، ج ۳، ص: ۹۳۳.

۲ - تاریخ الطبری/ترجمه، ج ۳، ص: ۹۳۴.

پرچم و پرچم داری در دوره حضرت پیامبر اکرم ﷺ

پردازند» گروهی از مسلمانان همدیگر را ترغیب کردند و جانفشانی کردند و همگان بکوشیدند و کسانی از یاران پیامبر صلی الله علیه و سلم سخن کردند و زید بن خطاب گفت: «به خدا سخن نکنم تا ظفر یابم یا کشته شوم شما نیز چون من عمل کنید». این بگفت و حمله برد و یاران وی به دشمن حمله کردند.

نتیجه گیری

پرچم از نمادهای اصیل در حیات بشری است. در طول تاریخ، پرچم و پرچمداری از اهمیت خاصی برخوردار بود. کسانی پرچمدار می‌شدند که از توانایی و شجاعت برخوردار بودند و به اندیشه و صاحب پرچم اعتقاد داشتند. پرچمداران نقش کلیدی در حفظ پرچم، ایدئولوژی و ادامه حیات جامعه ایفا می‌نمودند. پرچمداران صاحب نفوذ می‌شدند و در سایر تحولات جامعه نقش مهمی ایفا می‌کردند. در دوره پیامبر اسلام، پرچمداران بزرگی وجود داشتند که برخی از آنان مانند حمزه، عبیده، مصعب بن عمیر؛ شهید شدند و برخی دیگر با رحلت پیامبر اسلام ﷺ به اندیشه جانشینی علی علیه السلام وفادار نماندند. یکی از اتفاقات بسیار تلخ که در دوره اول اسلامی حادث شد کنار زدن ناجوانمردانه جانشین بلافصل رسول اکرم (ص) بود. وقتی احوال هریک از بازیگران عرصه سیاسی آن روز بررسی می‌شود اکثر کسانی که روزی در غالب پرچمدار، مشاور و فرمانده جنگی در عصر پیامبر بودند در حمایت از جانشین پیامبر (ص) اهمال گسترده‌ای نمودند آنان همان سرداران و پرچمداران در فتوحات شمرده می‌شدند در حالی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با تحولات جامعه هشدار داده بود.



فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغ، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار .
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵
۴. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعه.
۵. آذر نوش، آذر تاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، نشر نی، ۱۳۹۱.
۶. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸ .
۷. جرجانی، علی بن محمد، المواقف.
۸. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱ جلد، أعلمی - بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۹. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق أنوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۰. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۳، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ .
۱۱. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت.
۱۲. شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، چاپ دوم، قسم اول.
۱۳. شیخ مفید، الارشاد، جلد اول.
۱۴. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری، ج ۳.
۱۵. عسگری وادقانی، عبدالرضا، دایرة المعارف صحابه پیامبر ﷺ، ج ۲.
۱۶. عسگری وادقانی، عبدالرضا دایرةالمعارف صحابه پیامبر ﷺ، ج ۱.
۱۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی
۱۹. کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین.
۲۱. واقدی، محمد بن عمر بن واقد، المغازی، جلد ۲، چاپ سوم، ۱۴۰۹، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. هیکل، محمد حسنین، زندگانی محمد ﷺ، ترجمه، ج ۱.

